

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

دوم نومبر ۲۰۱۱

فر هنگ وحشت و کشتار سرداران

جنگی عرب

۷

سوره العنکبوت آیت ۶ : کسی که **جهاد** و تلاش کند برای **خود جهاد می کند** چرا که خداوند از همه جهانیان بی نیاز است

سعد بن ابی وقاص بن مالک بن وهیب بن عبد مناف نام مادرش همنه بنت امیه بن عبدالشمس از طایفه ابو اسحق بوده و ۲۳ سال قبل از هجرت تولد و در سال ۵۵ هجری در بقیع مدینه به عمر ۷۸ سالگی در گذشته است. سعد بن وقاص از مجموع زنانش فرزندی پسر به نام های اسحق اکبر و اسحاق اصغر، محمد، ابراهیم، عمرو، عبدالرحمن و ۱۸ دختر داشت. او نظر به خوابی که دیده بود خود را در یکی از دره های مکه به نام جیاد نزد محمد رسانیده و اسلام آورد. آنوقت او ۱۷ ساله بود. اصرار مادرش هم به او مبنی بر به دین اجدادی خود ماندن فایده نکرد او در تمام جنگها و چپاولهای دارائیهای مردم با محمد یکجا بود.

او او لاین کسی بود که به نام **جهاد اولین خون دگر اندیشان را ریخت** و آن روزی بود که محمد و یارانش در یکی از دره های مکه نماز می خواندند و چند تن از مشرکین آنجا بیامدند و سعد یکی از آنها را کشت. این اولین خونی بود که او ریختند. عبدالرحمن بن عوف یکی دیگر از غارتگران در باره سعد می گوید : دستان سعد چون چنگال شیر اند. او در جنگ احد به دفاع از محمد تیر می انداخت و می کشت محمد از تیر اندازی اش خوشحال شد و گفت (پدر و مادرم فدایت باد) او سوار کار ماهری بود و به این ملحوظ او را فارس الاسلام می گفتند آیات ۱۴ و ۱۵ سوره لقمان در باره سعد بن وقاص است. (پیش از آغاز زدو خورد های مسلحانه در جنگ قادسیه به دستور سعد بن وقاص قاریان با صدای بلند سوره انفال «غنیمت» را برای جنگجویان عرب خواندند که در آن وعده غنایم بسیار به آنان داده شده بود. شنیدن این آیات غنیمت شور و هیجان رزمندگان را به حد اعلی بر انگیخت به طوریکه بعد از آن

قرائت این سوره در آغاز هر جنگ تازه برای اعراب به صورت یک سنت جاری در آمد. - تاریخ بن خلدون ج ۱ ص ۱۹۶-

بد نخواهد بود اگر نظری به آیت ۱۲ سوره انفال بیندازیم : « و - به یاد آر - موقعی را که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد : من با شما هستم کسانی را که ایمان آورده‌اند ثابت قدم دارید . به زودی **در دل‌های کافران ترس** و وحشت می افکنم . **ضربه ها را به بالاتر از گردن- بر سر های دشمنان- فرود آرید و همه انگشتان شان را قطع کنید.**»

سعد بن وقاص جنایت کار اسلامی می دانست **چطور روحیه سربازان اوباش** خود را تقویه و با مقدس ساختن غنایم بعد از کشتار مردم سر زمینی که مورد تجاوز قرار می گرفت با تکیه به سوره ای از قرآن حرص و آز لشکریان را تحریک و خصلت درندگی را در وجود شان بیشتر از پیش بیدار سازد. طبری راجع به جنگ جولای چنین می نویسد « در جولای بر اثر پایداری بسیار سخت پارسیان **چندان از آنان کشته شدند که اجساد شان همه دشت را بپوشانید و** ازین رو بود که این جنگ جولای- پوشیده شده- نام گرفت» تاریخ طبری ج ۵ ص ۲۹.

این محل که در زمان حکومت عثمانی غزل رباط خوانده می شد به نام سعد بن وقاص از جانب دولت عراق «سعدیه» نام گرفته است. **شمار مردان و زنان و** مخصوصاً نوجوانانی که پس از جنگ جولای به اسیری گرفته شدند و برای فروش به بازار های برده فروشان مکه و مدینه فرستاده شدند به نوشته اخبار الطوال «چندان زیاد بود که خلیفه عمر در مدینه از دیدار صف بی پایان آنان نگران شد و گفت: خداوندا! از شر فرزندان جولای به تو پناه می برم» اخبار الطوال ص ۱۲۱. در کتاب حبیب السیر شرح جامعی از غنایم بعد از فتح مداین به دست سعد بن وقاص آمده که مختصراً اینجا از آن می نویسم:

چون سعد بن وقاص به مداین در آمد و نظر به قصور منقش و منیع و ایوانهای دلکش رفیع انداخت و و آن مقدار اشیای نفیسه و افمشه شریفه و ظروف نقره و طلا و فرش و بساطهای گرانبها انداخت شکر خدای منان را نمود از جمله فرشی بود ابریشمین شصت گز در شصت گز مرصع به زمرد که به گوهر های غیر مکرر تزئین داشت چنان که ده ارش آن زمردسبز بود و ده ارش از بلور سفید و ده ارش از یاقوت سرخ و ده ارش از یاقوت کبود و آنرا نام بهارستان بود و سعد بن وقاص رضی الله عنه خمس غنایم را جدا کرده نهد شتر جهت حمل آن‌ها ترتیب نمود و چون از قیمت گذاری فرش مذکور عاجز گشتند آنرا بدون آنکه در قسمت داخل سازد اضافه اموال خمس کرد و به مدینه فرستاد و تتمه غنایم را بر ۶۰۰۰۰ سوار تقسیم نمود و هر سواری را ۱۲۰۰۰۰ در هم حاصل آمد و چون اموال خمس به مدینه رسید امیرالمؤمنین عمر رض فرمود تا فرش مذکور را که رویت آن مایه نشاط می شد قطعه قطعه ساختند و یک قطعه را پیش شاه مردان علی بن ابوطالب ع فرستاد که آن جناب آن را بیست هزار در هم فروخت و نیز برای هر یک از اهل و بیت پیامبر و اصحاب او سهمی مقرر فرمود و ابتداء به عباس بیست و پنج هزار در هم و بعداً به نام هر یک از سادات ده هزار در هم تعیین فرمود و هر یک از حاضران جنگ بدر را پنجهزار در هم و دو فرزند ... اما حسن و امام حسین ... را به دستور اهل بدر وظیفه خور داشت و ابوذر غفاری و سلمان فارسی را نیز داخل این طبقه کردند . - حبیب السیر ج ۱ ص ۴۸۱

از کشتار و جنایات سعد بن وقاص در نوشته های قبلی به ارتباط موضوعات یاد آوری گردیده است که بیانگر وحشی گری و انسان کشی این شیاد خون آشام بوده است. سعد بن وقاص که او را می توان قاتل ده‌ها هزار انسان در همه جا مخصوصاً در ایران آنروز دانست در فرهنگ عرب و عرب زده ها به نام سردار فاتح و دلاور اسلام یاد می‌شود اما او از دیدگاه ما یک قاتل است یک وحشی و چپاول گر است که به نام اسلام بر سایر مناطق تجاوز و هزاران باشنده آن به فرمان همین سرداران، همین جانیان وحشی به خاک و خون غلتیده و به هزاران دیگر زیر **ثم**

اسپان این وحشی های تجاوزگر بدن های شان پارچه پارچه شده است.

آن‌ها که عرب و عرب زده هستند، آنان را فاتحین و سرداران اسلام می‌دانند و اطاعت ما را در قبال جنایات شان اجباراً بر ما تحمیل داشته و می‌دارند؛ مگر باید یک نکته را بدانند که آنان فاتحین شما بوده نه سر زمین مرد خیز و قهرمان ما. چون این ملت با وجودی که هنوز هم در خواب‌های مصنوعی دینی که برده شده اند، رفته و هنوز بیدار نشده‌اند اما این دلیل نمی‌شود که آن‌ها بیدار نشوند؟ بالاخره به خود خواهند آمد و خواهند دانست که نباید قاتلین آباء و اجداد خود را احترام نمود!! نباید از آن‌ها و مرده های آن‌ها توقعاتی داشت که شما دارید!! آن‌ها قاتل اند و قاتل پدران من و تو.... و کشنده آرزو ها و آمال و دزدان شعور و عقل.... دزدان فرهنگ اصیل ما و آن‌ها کسانی اند که من و تو را به نام های مقدس که اصلاً جز جنایت و آدم کشی و چپاول زندگی من و تو قدسیت دیگری نداشتند ما را قربانی ساختند و مائیم که به خاطر جبران تعظیم و اطاعت آن خائنین و خود فروخته های عربی دیروز امروز باید کفاره داده و در شرایطی که مردم سیارات را تسخیر می کنند ما باید متوجه اجنه و شیاطین بوده و از عبادت ملایکه سخن گوئیم یا برای خلاصی از مظالم اجتماعی نزد یکی از این تاجران دینی رفته تعویذ اخذ و یا هم این که الحمدالله گفته با نانی خشکی که از برکت استعمار جهانی و همکاری این غلامان استعمار هنوز هم از دستر خوان طفل من و تو بر داشته نشده شکر خدا نموده و به این جمله خود را تسلی دهیم که این دنیا مال کافر ها است و آن دنیا مال ما ؟؟؟؟؟

هموطن اگر من و تو چنین زبون و بیچاره باشیم به یقین بدان که نه در این دنیا و نه در آن دنیای خیالی که دیگران می گویند به علاوه این که جایی نداریم جنس اضافی هم خواهیم بود!!

نه هموطن عزیز من. خیلی از زمان گذشته و ما از نگاه رشد فکری و فرهنگی دو هزار سال به عقب رفته‌ایم و هنوز هم روانیم فکر نمی‌کنی باید آگاهی خود را دریابیم؟؟ و جنبید؟؟ باید از مبارزات آزادی خواهانه ملل دیگر آموخت چرا و تا چه وقت باید خاموش بود؟؟ و مطیع به عبادت عرب زده های وطنی و پیروی از خرافات جانیان مقدس و قاتلین آباء و اجداد ما؟؟ پذیرفتن سلطنت شان بر مبنای باداری آنها و غلامی ما؟؟ بگو ای هموطن ؟؟؟؟ منتظرم به شرافتت که منتظرم.....

ختم